

بنام خدا

پرویز زارع شاهمرسی

shahmarasi@yahoo.com

جایگاه زبان ترکی در سده‌ی پنجم هجری

مردم آذربایجان پیش از سده‌ی پنجم با زبان ترکی آشنا شده بودند ولی این آشنایی به صورت گذرا و موقتی بود. حضور مستمر و همیشگی ترکان در آذربایجان که از اوایل سده‌ی پنجم آغاز شد، موقعیت را برای حضور قدرتمندانه‌ی زبان ترکی در آذربایجان و ایجاد تحول زبانی فراهم کرد. در هر کجا که سلجوقیان وارد می‌شدند، زبان ترکی نیز اشاعه پیدا می‌کرد. واژگان ترکی همراه دستور زبان خاص ترکی اوغوز، در توبره‌ی اسبان‌شان سرزمین‌های مختلف را در می‌نوردید.

در این زمان زبان پهلوی در قهقه‌های سستی بود. روی هم رفته بعضی احتمال داده‌اند که خط و زبان پهلوی تا سده‌ی پنجم باز هم آثاری داشته و مردمی بدان حرف می‌زده و می‌نوشته‌اند ولی در آن موقع از میان رفته است. به طور مثال فخرالدین اسعد گرگانی معروف به فخری گرگانی در حدود سال ۴۴۰ هجری در اصفهان قصه‌ی ویس و رامین را از پهلوی به فارسی معمول آن دوره ترجمه و به نظم درآورده است. او در اول کتاب می‌گوید:

ندیدم زان نکوتر داستانی نماند جز به خرم بوستانی
و لیکن پهلوی باشد زبانش نداند هر که برخواند بیانش
نه هر کس آن زبان نیکو بخواند و گر خواند همه معنی نداند

زبان پهلوی در عرض مدتی حدود ۷۰ سال صحنه‌ی برتری را به زبان ترکی سپرد و پس کشید. این تغییر سریع و گسترده خود گویای ضعف زبان پهلوی از یک سو و قدرت و انسجام زبان ترکی بود. چون جنگاوران ترک بیش‌تر در میان روستاییان و به دور از شهرها در مراتع و چراگاه‌های مجاور اردوگاه بر پا کرده بودند، زبان ترکی بیش‌تر و در آغاز در روستاها رواج یافت^۱. از نظر زبان‌شناسی چیزی به نام زبان خوب و یا زبان بد وجود ندارد. اصولاً زبان‌ها از نظر این که وسیله‌ی ارتباطی هستند با یکدیگر تفاوتی ندارند بلکه تنها می‌توانند از نظر برآورده کردن نیاز سخنگویان تفاوت داشته باشند. از نظر زبان‌شناسی زبان درست زبانی است که با کم‌ترین اصطکاک و زحمت، نتیجه‌ی مطلوب را برای گوینده‌ی خود حاصل کند. بنابر این «صحیح» و «غلط» در مورد زبان هیچ معنی ندارد مگر آن که در ارتباط با موقعیت‌هایی که استعمال زبان را ایجاد می‌کند، بررسی شود. به هر حال انسان برای رنج خود تلاشی که برای زندگی می‌کند ارزش‌قابل است و زبان در شناخته شدن زحمت و تلاش انسان مقام اول را داراست^۲. زبان ترکی به دلیل گیرایی و صلابت خاص به سرعت در میان مردم رشد کرد. سرعت این رشد در روستاها بیش‌تر و در شهرها کم‌تر بود. اکنون نیز نام بیش‌تر روستاها در آذربایجان ترکی است

- در حالی که شهرها نام باستانی خود را حفظ کرده‌اند مانند اردبیل، مراغه، تبریز، شیروان و باکو. زبان ترکی ویژگی‌هایی دارد که دقت در آن‌ها می‌تواند علت رشد و گسترش سریع آن را روشن نماید.
۱. اصل توالی پیوندها: در زبان ترکی از انواع پیوندها آن چه وظیفه‌ی ماهوی داشته و در معنی خود کلمه ایجاد تصرف کند، باید در فاصله‌ی نزدیک تری باشد و آن چه نقش خارجی داشته و برای ایجاد همبستگی میان اجزای مختلف کلام به کار رود، در فاصله‌ی دورتری از ریشه قرار می‌گیرد. پیوندهای توصیفی به لحاظ این که نقش خود را در داخل کلمه و در زمینه‌ی مفهوم جدید بخشیدن به آن ایفا می‌کنند، از پیوندهای تصریفی که وظیفه‌ی ارتباط کلمه را با سایر اجزای کلام فراهم می‌سازند، به ریشه نزدیک‌ترند.
 ۲. اصل هماهنگی اصوات: اصوات در زبان ترکی هماهنگی و تطابق گروهی دارند که از جنبه‌های خاص این زبان است و منظره‌ی صوتی ویژه‌ای به کلمات و الفاظ آن‌ها می‌بخشد.
 ۳. اصل کوتاهی صائت‌ها: خصوصیت دیگر زبان ترکی، کش دار نبودن اصوات صائت رایج در این زبان است. منظور از کوتاه یا کشیده بودن یک صائت فرق فاصله‌ی زمانی میان شروع و پایان تلفظ آن می‌باشد، به عبارت دیگر وقتی یک صائت به شکل انفجاری از حنجره خارج شود، شکل کوتاه و هر گاه به صورت کش دار ادا شود، شکل کشیده آن را خواهد داشت. زبان ترکی از نظر عمومی زبان کوتاه صائت است. این ویژگی از وجوه تمایز زبان ترکی است و یکی از لوازم بومی شدن لغات بیگانه این است که صائت‌های کشیده‌ی آن‌ها به صائت‌های کوتاه و متعارف تبدیل شود.
 ۴. اصل نبودن علامت جنس: در زبان ترکی جنسیت گرامری وجود نداشته و جنس هر اسم از مدلول آن معلوم می‌شود.
 ۵. تنوع و نظم افعال: زبان ترکی از نظر وسعت و تنوع افعال از زبان‌های غنی است. در زبان‌های ترکی افعال حالت انعطاف و استعداد فوق العاده‌ای به تصرف و پذیرش مفاهیم متنوع ابراز می‌دارند. زبان ترکی از نظر تعریف افعال با قاعده‌ترین زبان دنیا است^۳. دستور زبان ترکی بسیار با قاعده است و در آن استثنایی وجود ندارد. از نظر دشواری شناسی کلی، دشواری زبان ترکی بسیار کم‌تر از زبان‌های دیگر است. در جایی که زبان فرانسه برای ادای یک مطلب از ۱۳ کلمه استفاده می‌کند، در زبان ترکی ۴ کلمه برای ایفای آن کافی است^۴.
 ۶. هم‌گونی واژه‌ها
 ۷. کلمات ترکی هیچ‌گاه با دو هم خوان شروع نمی‌شود.
 ۸. زبان ترکی دارای مفرد و جمع ولی فاقد تثنیه است. جمع نیز کاربرد زیاد ندارد.
 ۹. بن فعل به تنهایی دارای ارزش امر مفرد است.
 ۱۰. صفت و قید از یکدیگر متمایز نیستند.
 ۱۱. فعل برای بیان مفاهیم گوناگونی مانند ضرورت، امکان و شرط و ... پیوندهای متعدد می‌گیرد.

۱۲. صفت مطلق قبل از اسم و مضاف الیه قبل از مضاف قرار می‌گیرد.
۱۳. حرف تعریف وجود ندارد.
۱۴. در صرف اسماء پسوندهای ملکی به کار می‌رود.
۱۵. وند affix بعد از کلمه می‌آید.
۱۶. بعد از اعداد علامات جمع به کار نمی‌رود.
۱۷. مقایسه با مفعول منه انجام می‌گیرد.
۱۸. برای فعل معین به جای داشتن از فعل بودن (ایمک) استفاده می‌شود.
۱۹. در بسیاری از زبان‌های ترکی برای حرکت منفی مخصوصی وجود دارد.
۲۰. پسوند سؤال موجود است.
۲۱. به جای حروف ربط از اشکال فعل استفاده می‌شود.^۵

ویژگی مهم دیگر که باعث قدرت و صلابت خاص زبان ترکی در میان زبان‌های دیگر می‌شود، قانون آهنگ است. چون زبان ترکی دارای ۹ حرف صدادار است، ترتیب قرار گرفتن این حروف صدادار یا مصوت‌ها از قانون آهنگ پیروی می‌کنند و هر واژه‌ی ترکی لفظ خاص خود را دارد که با محک قانون سنجیده می‌شود. و قانون آهنگ قانونی محکم و ماندگار است و به سادگی نیز می‌توان از آن برای تشخیص درستی یا نادرستی تلفظ کلمه بهره جست.^۶

با وجود این ویژگی‌های بارز در زبان ترکی و وجود کاستی‌های فراوان در زبان پهلوی، زبان ترکی به سرعت در آذربایجان پیشرفت کرد. سلجوقیان در کار ترویج زبان ترکی نه اجباری به کار بردند و نه زحمتی را متحمل شدند. بلکه زبان ترکی جای خود را در میان مردم گشود. اگر چه زبان ترکی از پشتوانه‌ی حکومتی نیز برخوردار بود ولی این مسأله دلیل اصلی گسترش زبان ترکی نبود. چرا که اگر مسأله اجبار و خصومت در میان می‌بود، باید مردم در حفظ زبان پهلوی سعی بلیغ می‌کردند در حالی که حتی پس از افول سلجوقیان نیز زبان پهلوی هرگز سر بلند نکرد. به طور کلی هیچ منبع تاریخی وجود اجباری از طرف سلجوقیان را برای تحمیل زبان خود در آذربایجان تأیید نمی‌کند.^۷

پیش از آمدن سلجوقیان به آذربایجان زبان علمی و نوشتاری مردم این سرزمین به مانند دیگر سرزمین‌های اسلامی زبان عربی بود. در سرتاسر جهان اسلام و فرهیختگان و نویسندگان از زبان عربی بهره می‌بردند. زبان عربی به عنوان زبان قرآن و حدیث در میان مسلمانان محترم بود. دانشمندان و اندیشمندان ترک نیز کتاب‌های خود را به عربی می‌نوشتند. ابو نصر فارابی ملقب به معلم ثانی، جاراله زمخشری نویسنده کتاب‌های تفسیر کشاف و مقدمه الادب، محمد شهرستانی نویسنده کتاب الملل و النحل و اسماعیل جوهری فارابی نویسنده‌ی کتاب صحاح الجوهری و یا الصحاح فی اللغه از این دسته بودند.^۸

چون سلجوقیان کار حکومت را از خراسان آغاز کرده بودند، برای امور دیوانی از دبیران خراسانی بهره می‌بردند. دبیران خراسانی نیز دفتر و دیوان را به زبان پارسی می‌نگاشتند. هنگامی که آمد و شد فرمانروایان سلجوقی و جای‌گیری آنان در آذربایجان فزونی یافت، دبیران خراسانی نیز به آذربایجان آمدند. بدین سان زبان پارسی دری نیز در میان فرهیختگان آذربایجانی رواج یافت. فهم واژگان و دستور پارسی دری برای آذربایجان دشوار بود. برای حل این مشکل یکی از شاعران خراسانی به نام ابونصر علمابن احمد بن منصور اسدی طوسی (پسر اسدی طوسی شاعر) کتاب «لغت فرس» یا فرهنگ اسدی را نوشت. هم‌چنین قطران تبریزی کتاب تفاسیر فی الغه الفرس را به این منظور نگاشت. این دو اثر دیرینه‌ترین آثاری هستند که به منظور آشنایی مردم آذربایجان با پارسی دری تألیف شده‌اند.^۹ دفاتر و دیوان سلجوقیان ایران و حتی سلجوقیان روم پارسی بود، و سلجوقیان در ترویج زبان پارسی در آسیای صغیر نقشی به سزا دارند.

به طور کلی سده‌ی پنجم هجری، دوران حضور گسترده‌ی ترکان در جهان اسلام بود. البته دوران آغازین حضور به سده‌ی دوم هجری و ورود ترکان به دستگاه خلافت عباسی بازمی‌گردد.^{۱۰} چون ترکان دسته‌دسته مسلمان می‌شدند لازم بود که حاکمان بنی‌عباس از طرز زندگی آنان آگاه می‌شدند. در سال ۲۵۵ق جاحظ کتاب‌های مناقب الترك و فضایل الاتراک را برای وزیر متوکل نوشت. با این حال ظهور سلجوقیان و به ویژه نتایج جنگ ملازگرد، ترکان را به عنوان بازوی توانمند اسلام نمایاند. در سده‌ی پنجم دو کتاب بزرگ به منظور شناساندن ترکان به جهان اسلام نگاشته شد.

۱- دیوان لغات الترك: این کتاب نخستین کتاب گرامر ترکی است. محمود کاشغری آن را در سال ۴۵۱ق به المقتدی بالله خلیفه عباسی تقدیم کرد. او در این کتاب یک نقشه‌ی رنگی از جهان کشیده بود که مرکز عالم یعنی شهر بلاساغون مرکز حکمرانان ترک قرار داده شده بود. او در کتاب از قبایل اوغوز نام برده و از آنان با نام ترکمانیه اسم می‌برد. در این کتاب آگاهی‌های مهمی در باره‌ی اقوام ترک و نمونه‌هایی از ادبیات ترکی آورده شده است. در این دیوان برای فهم بهترین معنای کلمات ۲۷۲ ضرب‌المثل، ۴ مرثیه، چند حکایت، ۳۰۰ رباعی و ... آورده شده است. خصوصیات لهجه‌های مختلف زبان ترکی نیز بیان شده است. هدف از نگارش این کتاب آشنا کردن عرب‌ها با لهجه‌های مختلف زبان ترکی است. محمود کاشغری کتاب دیگری به نام «جواهر النحوفی لغات الترك» را نوشته و در آن در مورد جمع، مفرد، تفصیل و تصغیر و اعراب سخن گفته است.

۲- قوتادقوبلیک (علم سعادت): ایرانیان این کتاب را شاهنامه‌ی ترک نامیدند. این کتاب در سال ۴۶۲ق / ۱۰۶۹م توسط یوسف اولوغ به صورت شعر نگاشته شده و به بغراخان سلطان قاراخانی تقدیم شده است. به این مناسبت نیز نویسنده‌ی آن به لقب حاجب خاص مفتخر شد. این کتاب دانش‌نامه‌ی سیاست است و مسایل اجتماعی در آن بحث قرار گرفته است. برای اثبات مطالب نیز از ضرب‌المثل‌ها و سخنان بزرگان استفاده شده است. کتاب به صورت مثنوی و در بحر متقارب مثنی مقصور

نوشته شده و به شاهنامه‌ی فردوسی در سبک نزدیک است. این کتاب دارای ۶۴۵ بیت، ۳ قصیده و ۱۷۲ رباعی بوده و نخستین کتاب شعر ترکان به شمار می‌رود. هم چنین یکی از پایه‌های ادبیات منظوم ترکی است.^{۱۱}

۱. همایی، جلال‌الدین. همان صص ۱۷۱ و ۱۷۲

۲. دایره‌المعارف بزرگ اسلامی. جلد اول. زیر واژه‌ی آذربایجان. ص ۲۰۶

آقای محمدامین ریاحی در باره‌ی تغییر زبان پهلوی به زبان ترکی چنین می‌نویسد:

«در واقع علت عمده‌ی دگرگشت زبان آذری به زبان ترکی آن بوده که پشتوانه‌ی حکومتی زبان ترکی و نیاز مردم به تماس با عمال حکومت، موجب آشنایی پهلوی زبانان (آذری زبانان) بعضی شهرها با زبان نورسیده (یعنی ترکی) و عقب نشینی تدریجی آذری (پهلوی) شده است. درست به همان دلیل و به همان صورتی که در آسیای صغیر با ورود ترک‌ها و تسلط حکومت آن‌ها، بومیان رومی تبار به تدریج ترک زبان شدند.»

۳. حسین‌زاده، علی (داشقین). **ماهیت زبان**. انتشارات اختر تبریز. ۱۳۸۰- ص ۳۰

۴. فرزانه، محمدعلی. دستور زبان آذربایجان. ۱۳۴۶. تهران. ص ۱۲

۵. مالرب، میشل. **زبان‌های مهم جهان**. ترجمه‌ی عفت ملا نظر. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. تهران. ۱۳۸۲- ص ۲۷۱

۶. هیأت، جواد. **سیری در تاریخ زبان و لهجه‌های ترکی**. همان. ص ۲۷

۷. پیرهاشمی، تیمور. **دستور زبان ترکی آذربایجان**. انتشارات دانشگاه تبریز. ۱۳۶۸- صص ۲۴ و ۲۵

۸. آقای محمدرضا شعار در کتاب «بخشی در باره‌ی زبان آذربایجان» چنین می‌نویسد:

«با سر شکستن و زبان بریدن و مناره از کله‌ها ساختن و پشته از کشته‌ها ترتیب دادن و استخفاف بومی‌ها و رسیدگی نکردن به دادخواهی ستم‌دیده‌ای که فرضاً با زبان غیر ترکی به آن‌ها تظلم نموده است، زبان خود را تحمیل نمایند.» ایشان در جایی دیگر نیز می‌گوید: «نویسندگان منصف و ارباب تحقیق را متفقاً عقیده بر این است که زبان فعلی آذربایجان ترکی یک زبان عارضی بوده که در نتیجه‌ی حملات و زجر و فشارها و تمادی تسلط اقوام ترک زبان به اهالی این قسمت از ایران تحمیل شده است.»

در این که زبان ترکی زبان عارضی در آذربایجان بوده و مهاجرت ترکان به این سرزمین رایج شده است حرفی نیست ولی زبان ترکی در این ویژگی عارضی بودن هیچ تفاوتی با زبان پهلوی یا زبان فارسی و عربی و ... ندارد چرا که زبان پهلوی و فارسی نیز زبان بومی و اولیه‌ی مردم آذربایجان نیستند. مگر نه این که اگر قرار بر بومی بودن باشد باید زبان ماننایی، اورارتویی و یا زبان‌های پیش از آن‌ها که بر ما شناخته نیست را اساس قرار دهیم. پس در این زمینه حقی برای زبان پهلوی یا فارسی متصور نمی‌توان بود. مطلب دیگر این که کاش آقای شعار و هم فکریان ایشان با یک مدرک تاریخی بیان می‌کردند که در کجای آذربایجان از کله‌ها مناره بر پا شد، کجای این سرزمین از کشته پشته درست شد؟ آیا عاقلانه بود سلجوقیان که همه‌ی هم و غم‌شان نبرد با رومیان و مسیحیان بود، در آذربایجان از مردم مسلمان این دیار از کشته پشته بسازند و از کله مناره؟ دیگر این که اگر سلجوقیان اجباری بر زبان ترکی و تعصبی در ترویج آن داشتند چرا دفتر و دیوانشان پارسی دری بود و چرا در ترویج پارسی دری کوشش می‌کردند؟ دایره‌المعارف بزرگ اسلامی که منبعی متأخرتر و معتدل‌تر است صراحتاً وجود هر گونه اذیت و آزاری را از طرف سلجوقیان در ترویج زبان ترکی در آذربایجان رد می‌کند. در صفحه‌ی ۲۰۶ جلد اول این دایره‌المعارف آمده است:

«از زمان سلجوقیان که ترکمانان در آذربایجان سکنی گزیدند، به حکم چادر نشینی و گله داری ابتدا در مراتع و چراگاه‌های مجاور ده‌ها به زندگی پرداختند. مسأله‌ی ترکی شدن از دهات شروع شد و شهرها که مراکز فرهنگی بودند بیش‌تر مقاومت کردند. البته به تدریج بودند و نه بر اثر اجبار اقتصادی، اجتماعی نه اجبار سیاسی عمدی یا تحکم

و فشار بود، زبان قوم غالب را آموختند و با ایشان در آمیختند. همان اتفاق که در آسیای صغیر افتاد و زبان یونانی به ترکی عوض شد. البته شواهدی است که بعضی از امرای ترک مردم را از تکلم به غیر زبان ترکی منع کرده‌اند اما چنین شواهدی در آذربایجان در دست نیست.»

۹. در سده‌ی دوم هجری بازار بحث و جدل میان اسماعیلیان، خوارج، معتزله‌ها و متشرعان در باره‌ی موضوعاتی چون حدوث و قدوم عالم، مقدار علم خداوند بر جزئیات، جبر و اختیار و معاد جسمانی گرم بود. گروهی از مسلمانان به ویژه معتزله که خردگرا بودند برای اثبات گفته‌ها و نظرات خود به علوم یونانی متوسل شدند. در نتیجه با حمایت خلافت بنی عباس نهضت ترجمه به سردمداری مترجمان چیره دستی هم چون حنین بن اسحاق و ثابت بن قره آغاز شد. ترجمه‌ی کتاب‌های یونانی به زبان عربی، این زبان را به مرتبه‌ای بلند رسانده و آن را تبدیل به زبان علمی مسلمانان کرد. برای آگاهی بیش تر ن. ک: حلبی، علی اصغر. **تاریخ تمدن اسلام**. انتشارات چاپ و نشر بنیاد. تهران. ۱۳۶۵

۱۰. نفیسی، سعید. همان. ص ۴۸

۱۱. به گفته‌ی کاشغری یکی از مشخصات لهجه‌ی اوغوز (که زبان سلجوقیان بود) این است که کلمات پارسی در آن بیش تر وارد شده است. این به دلیل همسایگی و مرادده‌ی بسیار اوغوزها با ایرانی بود. ترکان اوغوز بسیاری از کلمات ترکی را به فراموشی سپرده و معادل پارسی آن را به کار می‌بردند. کاشغری برای نشان دادن این نزدیکی میان ترکی و فارسی یک ضرب المثل معروف و معنی‌دار آورده است:

باش سیز بورک اولماز تات سیز تورک اولماز
(سربی کلاه نمی‌شود ترک بدون فارس نمی‌شود)

ارتباط میان اقوام ترک و فارسی از قدیم وجود داشته است. برخی به غلط از تعابیر فردوسی در دشمنی ایران و توران استنباط کرده‌اند که از دیر باز میان ترک و فارس دشمنی وجود داشته است. در حالی که این ضرب المثل و مثال‌های فراوان نشان دهنده‌ی ارتباط مثبت میان این دو قوم است. این ضرب المثل خود پاسخی است گزنده به مروجان دشمنی ترک و فارسی که به مانند پیاده نظام استعمار گران تفرقه‌جو عمل می‌کنند و ذهن‌ها را مسموم می‌نمایند. مسأله‌ی اصلی این است که ترک‌ها و فارس‌ها در طرز معیشت و استفاده از طبیعت متفاوت بوده‌اند. این تفاوت در معاش موجب پدید آوردن روحیات خاصی شده است. صداقت، سادگی و زندگی بی‌تکلف صحرا نشینان با روحیه‌ی محافظه کاری، حيله‌گری و حساب‌گری شهر نشینان متفاوت است. این تفاوت نیز به مقتضای طبیعت پدید آمده است نه از سر خواست انسان‌ها. مولوی در باره‌ی این تفاوت می‌گوید:

یک حمله و یک حمله کامد شب و تاریکی
چستی کن و ترکی کن، نی نرمی و تاجیکی